ادامه از صفحه اول

## عدالت اجتماعی و پیشگیری از آسیب‌ها

از این رو لازم است که سطوح مختلف مشارکت، تقویت و تشویق شوند تا تمامی افراد جامعه در عرصه سیاست‌گذاری نقش داشته باشند. ۴. عدالت (equity): بسیاری گمان می‌کنند یکی از اصول جامعه عدالت‌محور، برابری (equality) است، حال آنکه در واقع این اصل، عدالت است. تفاوت این دو مفهوم به ظاهر متشابه، این است که در عدالت، به واسطه رفع تبعیض، دستیابی به نتایج برابر محقق می‌شود، ولی در برابری، ارزشی به شکل یکسان به همه عرضه می‌شود. مثال معروفی که از آن برای روشن‌شدن مفهوم عدالت استفاده می‌شود، این است که سه فرد بلندقد، متوسط و قدکوتاه، پشت دیواری قرار دارند. فرد قدبلند، به راحتی می‌تواند پشت دیوار را ببیند. فرد متوسط با کمی تقلا پشت دیوار را خواهد دید، ولی فرد قدکوتاه (تمثیلی از آسیب‌پذیرترین افراد جامعه) هرچقدر هم که تلاش کند قادر نخواهد بود چیزی را ببیند. برابری این است که به هر سه نفر، جعبه‌ای داده شود. بدیهی است که این جعبه به درد فرد قدبلند و قدکوتاه نمی‌خورد چراکه فرد قدبلند بدون جعبه، کماکان قادر به دیدن پشت دیوار است ولی فرد قدکوتاه حتی با داشتن جعبه نیز چیزی را نمی‌بیند. به شکلی مشخص در عدالت، به فرد قدبلند جعبه‌ای داده نمی‌شود چراکه او دارای مزیتِ بلندیِ قد است. به این ترتیب جعبه او به فرد قدکوتاه داده می‌شود. در نهایت، فرد متوسط یک جعبه و فرد کوتاه‌قد دو جعبه دریافت می‌کند و هر سه قادر به دیدن پشت دیوار هستند. مثال مدل ایرانی برابری، یارانه دولت احمدی‌نژاد است که به همه افراد جامعه ورای وضعیت اقتصادی‌شان، به عنوان جبران حذف سوبسید بنزین مبلغ مشخصی داده شد. برعکس، مدل یارانه دولت روحانی بر اساس مفهوم عدالت به اجرا درآمد که یارانه بسیاری از افراد که دارای استطاعت مالی بودند، قطع شد و به افراد نیازمند، تعلق گرفت. البته همه می‌دانند که با افزایش لجام‌گسیخته تورم، نه‌تنها این طبقه، بلکه درصد قابل توجهی از طبقه متوسط نیز شدیدا در تنگنا قرار گرفتند.روشن است که وجود عدالت اجتماعی به این معنی نیست که جامعه آرمانی شکل گرفته و همه در نهایت شادمانی به زندگی مشغول هستند، چراکه در هر صورت در یک جامعه عدالت‌محور نیز برای رسیدن به سطوح مختلف زندگی، سطوح متفاوتی از تقلا و تلاش مورد نیاز است. در مجموع آشکار است که عدالت اجتماعی مترصد آن است که با راهبردهای مهمی نظیر عدالت، برابری، توانمندسازی و ایجاد فرصت، زندگی افراد را تقویت کرده و از طریق تغییرات سیستماتیک و نهادی، جامعه آسوده‌تری را ایجاد کند.موضوع دیگر عنوان مقاله، پیشگیری است. گرچه تعاریف و سطوح مختلفی در تاریخچه پیشگیری مطرح است که مثلا می‌توان به تعریف کاپلان (۱۹۶۴) و گوردُن (۱۹۸۷) اشاره کرد، ولی شاید بتوان این تعریف را مبنا قرار داد که هر اقدام و برنامه‌ای که قبل از شکل‌گیری یک آسیب طراحی و اجرا شده و مانع از ایجاد آن آسیب شود، پیشگیری نامیده می‌شود. براساس این، برنامه پیشگیری از مصرف سیگار، به نوجوانان کمک می‌کند که در دوران پرتلاطم نوجوانی، درگیر مصرف سیگار و پیامدهای مخرب آن نشوند؛ برنامه پیشگیری از خودکشی، به افرادی که سابقه افسردگی دارند و احتمال خطر خودکشی در آنان بالاست، کمک می‌کند که دست به خودکشی نزنند و خود را از بین نبرند. تمرکز پیشگیری بر افزایش و تقویت عوامل محافظ و کاهش و تضعیف عوامل خطر است. مثلا اگر مشخص شود در جامعه‌ای، ترک تحصیل در سال‌های اولیه تحصیل، عامل خطری است که احتمال ابتلا به اعتیاد را افزایش می‌دهد، سیاست‌گذار با طراحی برنامه‌ای پیشگیرانه، افت تحصیلی در کودکان را قبل از اینکه منجر به ترک تحصیل شود، شناسایی و با کلاس‌های جبرانی، از ترک تحصیل آنان جلوگیری می‌کند که خود منجر به پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی نظیر اعتیاد می‌شود. یا اگر مشخص شود که در جامعه‌ای، کیفیت ارتباطی والدین و فرزندان، به عنوان یک عامل محافظ، از بزهکاری دوره نوجوانی یا رفتار خشونت‌آمیز دوره جوانی پیشگیری می‌کند، سیاست‌گذار با طراحی برنامه‌ای مشخص به والدین کمک می‌کند کیفیت ارتباطی خود را با فرزندان حفظ کرده و آن را تقویت کنند.

ادامه در صفحه ۳

انتقاد دوباره قالیباف از بودجه ۱۴۰۰

# روحانی: پذیرای دیدگاه‌های اصلاحی مجلس هستیم

**شرق:** مجلس روز گذشته بعد از پایان تعطیلات خود، جلسه علنی داشت و محمدباقر قالیباف نیز نطق پیش از دستور خود را به انتقاد دوباره از بودجه ۱۴۰۰ اختصاص داد و البته رئیس‌جمهور نیز در ستاد هماهنگی اقتصادی دولت، باز از آخرین بودجه کابینه خود دفاع کرد. دو هفته پیش بود که جلسه سران سه قوه در بهارستان برگزار شد و به نظر می‌رسید هماهنگی و تفاهم بین رؤسا برقرار شده است؛ اما سخنان پارلمان نشان داد هنوز بودجه پیشنهادی دولت را با وجود اینکه روحانی دستور به ترمیم آن داده، برنمی‌تابد. قالیباف نطق دیروز خود را با طعنه به برجام و تضمین‌نداشتن امضای جو بایدن، رئیس‌جمهور جدید آمریکا، شروع کرد و گفت: «از نظر مردم ایران، زمانی تحریم‌ها برداشته شده است که بتوانیم نفت خود را بفروشیم و با ارز حاصل از فروش آن از طریق سازوکار رسمی بانکی، نیازهای مردم ایران را تأمین کنیم و تولیدکنندگان و بازرگانان ما در دنیا تجارت کنند؛ در این صورت ایران به تعهدات خود در چارچوب برجام عمل می‌کند». او همچنین گفت مجلس ریل‌گذاری برای بی‌اثرکردن تحریم‌ها را راهبرد اصلی خود می‌داند که مهم‌ترین اقدام آن، اصلاح ساختار بودجه است. رئیس پارلمان دوباره به دولت حمله کرد و گفت لایحه بودجه به نحوی تنظیم شده که بیشترین عواید و منافع نصیب دلال‌ها و سودجویان خواهد شد و ثمره کسری بودجه آن برای مردم چیزی جز تورم سنگین و گرانی افسارگسیخته نیست. قالیباف ادامه داد: «توزیع میلیاردها دلار ارز ترجیحی، نه‌تنها مانع گران‌شدن کالاها نشد، بلکه مستقیما جیب و سفره مردم را هدف گرفت؛ چراکه منابع ارزی کشور که می‌توانست مستقیما به بهبود معیشت مردم و پرشدن سفره آنان کمک کند، به نحوی توزیع شد که دلال‌ها و رانت‌خوارها را چاق‌تر کرد. در سال‌های گذشته به نام کالاهای اساسی، میلیاردها دلار ارز دولتی به برخی واردکنندگان داده شده که متأسفانه آثار آن در سفره و معیشت مردم بسیار ناچیز بوده و منافع آن به جیب عده‌ای محدود و خاص رسیده است».او برنامه مجلس برای بودجه ۱۴۰۰ را این‌گونه عنوان کرد: «مجلس می‌خواهد این رویه نادرست را اصلاح کند و این یارانه کالاهای اساسی را مستقیم در انتهای زنجیره به خود مصرف‌کننده بدهد و زیان رفاهی خانوارها، به‌ویژه قشر ضعیف جامعه را جبران و از هدررفت منابع بیت‌المال جلوگیری کند. این تصمیم، به نفع کلیت جامعه و مردم است و قطعا دلالان و رانت‌خواران صدایشان بلند خواهد شد».رئیس‌جمهور اما در جلسه ستاد هماهنگی اقتصادی دولت، پای حرف‌های محمدباقر نوبخت، رئیس سازمان برنامه و بودجه، نشست و گزارش او از بررسی لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ در مجلس را شنید. روحانی بعد از آن گفت که این لایحه ماحصل مطالعات و بررسی تفصیلی و همه‌جانبه کارشناسان خبره دولت درخصوص الزامات و اقتضائات اقتصادی کشور بوده و بر اساس قواعد و شرایط کشور تهیه و تنظیم شده است. حسن روحانی همچنین گفت دولت او از نظرات مشورتی کارشناسان و فعالان اقتصادی استقبال می‌کند و پذیرای دیدگاه‌ها و پیشنهادهای اصلاحی نمایندگان محترم در مجلس بوده، اما دگرگون‌کردن شاکله و ساختار بودجه، مطمئنا غیر قابل قبول است. بعید است دولت و مجلس تا نهایی‌شدن بودجه ۱۴۰۰ از نظرات خود کوتاه بیایند؛ هرچند رؤسای دو قوه اذعان کرده باشند که درباره بودجه اتفاق نظر دارند.

گفت‌وگو با احمد زیدآبادی

# اصولگرایان جای اصلاح‌طلبانِ دهه ۶۰ را گرفته‌اند

## تجدیدنظر اصلاح‌طلبان درباره رفتارهای گذشته‌شان امری مثبت است

**امیرحسین جعفری: بررسی گذشته سیاسی اصلاح‌طلبان در دهه ۶۰ برای تحلیل موقعیت امروزی آنها مسئله درخورتوجهی است. طیف معروف به چپ‌های خط امامی که در اقتصاد با شعارهایی در راستای طبقه فرودست و در سیاست خارجی با شعارهای ضد امپریالیستی کانون توجه بودند و در مجلس سوم اولین ظهور قدرت خود را داشتند، پس از فوت امام به‌مرور به حاشیه رانده شده و در خرداد ۷۶ با ظاهری کاملا متفاوت از آنچه در دهه ۶۰ دنبال می‌کردند، به صحنه برگشتند؛ اما این بار با دفاع از اقتصاد آزاد، عادی‌سازی روابط با جهان و توسعه سیاسی. تضادهای اصلاح‌طلبان با وجود تفکرات چپی که دنبال می‌کردند، در برخورد با هاشمی به‌مرور بیشتر شد؛ اما این اختلافات در میانه دهه ۸۰ به نوعی اتحاد نانوشته میان هاشمی و خاتمی تبدیل شد. در راستای بررسی تحلیلی چپ‌های خط امامی و موضع اصلاح‌طلبان در انتخابات۱۴۰۰ گفت‌وگو کردیم با احمد زیدآبادی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب که مشروح آن در ادامه می‌آید.**

عکس: میثم مهابادی، فارس

**در مقطع کنونی تعریف اصلاح‌طلبان از اصلاحات چیست؟ و این جریان کدام ایدئولوژی فکری را دنبال می‌کند؟**

اصلاح‌طلبان یک طیف بسیار متنوع هستند و هرکدام اصلاحات را به یک شکل تعریف می‌کنند و هرکدام به دنبال ایدئولوژی خاص خودشان هستند؛ بنابراین نمی‌توان ایدئولوژی مشترکی بین آنها پیدا کرد، به جز اینکه همه حرف‌شان این است که ما می‌خواهیم در یک روند تدریجی سیستم سیاسی را با دموکراسی آشتی دهیم، حالا اینکه دموکراسی در نظر هرکدام‌شان چیست، محل بحث است و روش آشتی‌دادن‌شان با دموکراسی نیز محل بحث است؛ بنابراین فعلا جز همین یک جمله چیز دیگری دراین‌باره نمی‌توان گفت که رشته تسبیح اصلاح‌طلبی را به هم وصل کند.

**سؤالی که جامعه در مقابل این جریان دارد، نگاه اصلاح‌طلبان به اقتصاد است که ما دقیقا با طرفداران کدام فرم اقتصادی روبه‌رو هستیم؟ اصلاح‌طلبان در دهه ۶۰ به نیروهای چپ معروف بودند که ناظر بر نگاه اقتصادی‌شان بود. امروز چه نگاهی به اقتصاد دارند؟**

پاسخ بالا درباره نگاه اقتصادی اصلاح‌طلبان هم مصداق دارد. اصلاح‌طلبان خاستگاه‌شان جریان چپ دهه ۶۰ هست که عموما به اقتصاد سوسیالیستی و دخالت دولت در اقتصاد باور داشته‌اند. البته این طرز فکر در آن موقع در اکثر کشورهای جهان سوم مورد قبول نیروهای مترقی و پیشگام جوامع بود؛ اما به‌تدریج هرچه در عرصه جهانی گرایشی به اقتصادهای باز و آزاد به وجود آمد، اصلاح‌طلبان نیز وقتی در سال ۷۶ دوباره به قدرت بازگشتند، دیدگاه‌های‌شان عوض شده بود و به دنبال یک دولت حداقلی و با دخالت کمتر دولت و تقویت بخش خصوصی بودند که این هم به طور مشخص روشن نشد که چارچوب و ابعادش چیست. البته همان موقع نیز یک گرایش طرفدار گسترش تأمین اجتماعی هم در بین اصلاح‌طلبان به‌ویژه نیروهای چپ‌تر بود؛ اما برخی جناح‌ها مانند کارگزاران از اقتصاد آزاد دفاع می‌کردند. در سال‌های اخیر نیز که شکاف‌های طبقاتی افزایش پیدا کرده و مشکلات اقتصادی افزایش پیدا کرده، ظاهرا اصلاح‌طلبان به این فکر افتاده‌اند که بحث عدالت را در گفتمان خود غلیظ کنند و منظورشان از عدالت نیز دقیقا روشن نیست؛ یعنی دخالت گسترده‌تر دولت در اقتصاد؟ این مسئله که همیشه وجود داشته و مسبب ایجاد عدالت اقتصادی نشده یا اینکه مثلا آموزش و بهداشت را دولتی کنند که هرکدام در این زمینه حرفی زده‌اند؛ بنابراین هنوز هم یک برنامه اقتصادی انسجام‌یافته را نمی‌توان به اصلاح‌طلبان نسبت داد و هرکدام از گروه‌های اصلاح‌طلب از یک هدف حمایت می‌کنند.

**اصلاح‌طلبان از سال ۵۷ تاکنون همواره سعی کردند که نگاه خود را درباره موضوعات تکامل بخشند که در این مسیر از بسیاری از کنش‌های دهه ۶۰ خود گذر کرده یا قبول ندارند و اصولگرایان از همین گزاره استفاده می‌کنند و اصلاح‌طلبان را متهم به خروج از ارزش‌های انقلاب می‌دانند. آیا نیروهای کنونی اصلاح‌طلبان را باید جدا از نیروهای خط امامی بدانیم؟**

آنچه اصولگرایان به‌عنوان ارزش‌های انقلاب مطرح می‌کنند، همان چیزی بود که در دهه ۶۰ نیروهای چپ که بعدها اصلاح‌طلب شدند، از آن حمایت می‌کردند و در آن موقع اتفاقا همین اصولگرایان تقریبا مخالف تمام این حرف‌ها بودند و علاقه‌ای به صدور انقلاب نداشتند. با دخالت دولت در اقتصاد شدیدا مخالفت می‌کردند و خیلی هم ضد آمریکایی نبودند. این دو جناح از نظر سیاسی حدودا جای‌شان را به همدیگر دادند؛ بنابراین اصولگرایان با آن سابقه اساسا در موقعیتی نیستند که بحث از ارزش‌هایی به میان آورند که خودشان آن موقع با آن موافق نبودند و این رفتار جدیدی از سوی آنهاست؛ به این معنا که اصولگرایان که یک پایگاه اجتماعی تندرو برای خودشان دست‌وپا کردند و از این حرف‌ها دم زدند؛ وگرنه همه از دهه ۶۰ عبور کرده‌اند و بازگشت به آن دوره امکان‌پذیر نیست. اصلاح‌طلبان نیز همین‌طورند.

**آیا اصلاح‌طلبان با آقای هاشمی در یک تضاد ایدئولوژیک بودند یا تجربه تاریخی دهه ۶۰ و اخراج خط امامی‌ها از دولت هاشمی باعث تقابل‌های بعدی شد؟**

آقای هاشمی که سر کار آمد، بنای تشنج‌زدایی با آمریکا و ایجاد تغییرات ساختاری در اقتصاد و تبدیل آن به اقتصاد آزاد را داشت. این زمانی بود که هنوز جناح چپ به اقتصاد دولتی و مقابله با آمریکا اعتقاد داشت؛ بنابراین نوعی تضاد ایدئولوژیک بین‌شان پیش آمد. هاشمی چون با افکار اینها همراهی نداشت و درعین‌حال چپ‌ها را مخل برنامه‌هایش می‌دانست، برای حذف چپ‌ها با جناح راست ائتلاف کرد و موفق هم شد؛ بنابراین در ابتدا این داستان به یک نوع تعارض ایدئولوژیک برمی‌گشت؛ اما به مرور زمان هم هاشمی با جناح راست مشکل شدید پیدا کرد و آنها که داشتند ایدئولوژی چپ‌های دهه ۶۰ را در خودشان بازتولید می‌کردند، هاشمی را متهم به عادی‌سازی روابط با غرب و خروج از ارزش‌های انقلاب کردند؛ بنابراین هاشمی در دوره‌ای بین این دو جناح قرار گرفت و کم‌کم گرایشی به جناح چپ پیدا کرد و زمانی که دولت اصلاح‌طلب شد، از شعارهای قبلی دور شدند و به دیدگاه‌های هاشمی در اقتصاد و سیاست خارجی نزدیک شدند؛ اما در حوزه دموکراسی با هاشمی مشکلاتی داشتند که در روند تحول اوضاع روال فرازونشیب‌داری بین‌شان پیش آمد؛ اما نهایتا اصلاح‌طلبان و هاشمی بعد از روی‌کارآمدن احمدی‌نژاد به هم رسیدند و در یک جناح قرار گرفتند.

**اصلاح‌طلبان در دهه ۶۰ درباره سیاست و فرهنگ نگاه بسته‌ای داشتند یا در ماجرای تسخیر سفارت برخی از اصلاح‌طلبان از مواضع خود ابراز پشیمانی می‌کنند. این تحول در سیاست‌ورزی و قرائت از تاریخ را باید تکامل فکری در نظر گرفت یا شکست؟**

این تجدیدنظر اصلاح‌طلبان درباره رفتارهای گذشته‌شان یک امر مثبت است و نوعی تحول فکری را در آنها نشان می‌دهد و ربطی به شکست ندارد. آن سیاست‌ها البته با شکست مواجه شده؛ اما همین که اصلاح‌طلبان بر آنها برخلاف جناح مخالف‌شان اصرار نمی‌کنند، نوعی پیشرفت محسوب می‌شود و ربطی به شکست ندارد.

**چرا نیروهایی که با شعار دفاع از پابرهنگان مجلس سوم را فتح کردند، در خرداد ۷۶ آن‌چنان طبقه متوسط جامعه هدف‌شان شد که احمدی‌نژاد توانست به‌راحتی طبقه فرودست را به نفع خود بسیج کند؟ رابطه اصلاح‌طلبان با طبقه فرودست در این سال‌ها دستخوش چه تغییراتی شده است و اصلاح‌طلبان نسبت خود را با طبقه فرودست چه تعریف می‌کنند.**

وقتی گروهی شعار دموکراسی را به‌عنوان مسئله اول خودش مطرح می‌کند، طبیعتا پایگاه اجتماعی‌اش نیز طبقه میانه قرار می‌گیرد؛ چون این طبقه هست که معمولا نیروی حامل دموکراسی است و برایش در صحنه حاضر می‌شود؛ اما یک گروه سیاسی نباید به یک طبقه خاص توجه کند و باید نگاه فراطبقاتی داشته باشد و منافع تمام کشور را به‌عنوان کل ملت ایران تأمین کند و طبیعتا شعار حمایت از پابرهنگان چون به یک نوع تعارض طبقاتی در ایران دامن می‌زد، شعار خوبی نبود. شعار باید رفاه و رونق برای همه مردم و رفع محرومیت‌ها و ایجاد یک نظام تأمین اجتماعی مقبول برای اقشار پایین جامعه باشد؛ بنابراین آن شعارها که درست نبود و دامن‌زدن به تضاد کاخ‌نشینان و پابرهنگان درست نبود؛ اما اینکه آنها به‌هرحال به طبقه متوسط متوسل شدند، به خاطر شعار دموکراسی است و فقط از این طریق تقویت پیدا می‌کنند.

**پس از اعتراضات دی ۹۶ و آبان ۹۸ به نظر می‌رسد نارضایتی عمومی دامن‌گیر اصلاح‌طلبان نیز شده و تقسیم‌بندی‌های پیشین درباره طبقه فرودست و متوسط اعتبار خود را از دست داده است. اصلاح‌طلبان در مقطع کنونی با توجه به شرایط روز برای جلب نظر عموم مردم چه باید بکنند؟**

اصلاح‌طلبان به دلیل حمایت از آقای روحانی و نداشتن چشم‌اندازی درباره مشکلاتی که دولت دوم او با آن روبه‌رو شد، فعلا توان تأثیرگذاری عمده را از دست داده‌اند و اعتبارشان در بین طبقات مختلف از بین رفته است و در شرایط حاضر کار خاصی نمی‌توانند بکنند و به نظر من باید مقداری از قدرت سیاسی کناره بگیرند و موقعیت خودشان را در متن اجتماع تقویت و خودشان را به‌روز کنند، برنامه‌های ملی برای همه طبقات داشته باشند که این زمان‌بر هست؛ اما اینکه یک‌دفعه بخواهند کاری کنند که همه چیز سر جای اولش برگردد، فعلا امکان‌پذیر نیست و اصرار بر این مسئله نیز وضعیت را بدتر می‌کند؛ یعنی حضور در انتخابات و دادن شعارهای رادیکال کمک خاصی به آنها نمی‌کند. اصلاح‌طلبان تصمیمات غلطی و زمان را از دست داده‌اند و برای رسیدن به یک موقعیت جدید نیاز به زمان طولانی است.

**به‌عنوان سؤال پایانی به انتخابات ۱۴۰۰ بپردازیم. اصلاح‌طلبان که پیروزنشدن ناطق نوری در ۷۶ را افتخار خود می‌دانند، چرا به نقطه‌ای رسیدند که اگر آقای ناطق تمایل داشته باشد در انتخابات نامزد شود، به احتمال زیاد از او حمایت می‌کنند؟ آیا انتخابات برای اصلاح‌طلبان در شرایط فعلی راهبرد سیاسی برای حفظ موجودیت سیاسی و حضور در قدرت رسمی محسوب می‌شود یا اینکه باید با پیروزی در انتخابات به بازآفرینی پایگاه اجتماعی خود بپردازند؟**

اینکه چرا اصلاح‌طلبان زمزمه کاندیداشدن ناطق را مطرح می‌کنند، هم به دلیل شکست‌هایی است که در این مدت خورده‌اند و هم به دلیل تغییری است که در برخی از افراد جناح راست سابق ازجمله ناطق نوری به وجود آمده است. در واقع با کسانی که سابقه راست و چپ در تاریخ جمهوری اسلامی داشته‌اند، در دولت احمدی‌نژاد برخورد شد و همه را از خود ناراضی کرد و از قدرت به حاشیه برد. وقتی شما به حاشیه می‌روید، افکارتان نیز عوض می‌شود؛ بنابراین این فقط اصلاح‌طلبان نبودند که به سمت ناطق رفتند. ناطق هم به اندازه‌ای به این سمت آمده و از آن گرایش‌های قدیم خودش فاصله گرفته که این یک امر دوجانبه و بر اثر تغییرات در دو سو و شکست‌ها و پیشرفت‌نکردن اجتماعی و نوعی عقب‌گرد به قبل نیز محسوب می‌شود.

روزنه

با ابلاغ دستورالعمل اجرائی رئیس قوه قضائیه رقم خورد

## اموال و دارایی‌های نامشروع شناسایی و پس گرفته می‌شوند

**میزان:** رئیس قوه قضائیه با ابلاغ دستورالعملی، دادستانی کل کشور را موظف کرد با همکاری دستگاه‌های نظارتی و امنیتی و سازمان‌های مردم‌نهاد، هرگونه مستنداتی را که حاکی از سوءاستفاده احتمالی مسئولان از موقعیت شغلی یا جایگاه مدیریتی و کسب اموال نامشروع شده است، پیگیری کرده و اموال را به بیت‌المال بازگردانند. بهمن سال ۹۸ بود که مجلس شورای اسلامی به‌منظور اجرائی‌شدن اصل ۴۹ قانون اساسی طرح «اعاده اموال نامشروع» را تصویب و آن را تبدیل به قانون کرد. این قانون که با هدف مقابله و مبارزه با فساد تصویب شده، به دنبال آن است که اموال نامشروع مسئولان را که به واسطه سوءاستفاده از جایگاه شغلی و مدیریتی آنها کسب شده، شناسایی و به بیت‌المال یا صاحبان حق بازگرداند. در همین راستا، آیت‌الله رئیسی نیز در جهت اجرای همه‌جانبه و سریع‌تر این قانون و تقویت و تسریع مبارزه با فساد به‌خصوص فساد در بین مدیران و مسئولان، دستورالعملی را ابلاغ کرده که مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه و دادستانی کل کشور را موظف می‌کند در مدت یک ماه با کمک سامانه رسیدگی به دارایی و اموال مسئولان، مقدمات اجرای این قانون را فراهم و شناسایی این‌گونه اموال را آغاز کنند. بر اساس این دستورالعمل، سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات، دستگاه‌های امنیتی، پلیس و سازمان‌های مردم‌نهاد به دادستانی کل کشور در شناسایی اموال نامشروع کمک خواهند کرد و دادستانی موظف است با اولویت رسیدگی به ثروت‌های کلان نامشروع و بدون ملاحظه مقام و مسئولیت فرد خاطی، به تخلفات رسیدگی کند. ماده ۱۱ این دستورالعمل تصریح می‌کند: «رسیدگی به اموال موضوع قانون و اعاده آن، منوط به وجود اتهام کیفری و یا اثبات جرم نیست و ترتیبات رسیدگی به اموال موضوع قانون نیز تابع ترتیبات شناسایی و رسیدگی به جرایم نمی‌باشد».

این دستورالعمل اجرائی دادستان‌ها را موظف می‌کند انتقال احتمالی این اموال نامشروع به همسر، خویشاوندان، شرکا و مرتبطان مسئول مربوطه را نیز با ذکر ادله و قرائن پیگیری و با آن برخورد کرده و راه فرارهای این‌چنینی را سد کنند. ضمن آنکه ردیابی پول‌هایی که به خارج از کشور منتقل شده‌اند و استفاده از قابلیت‌های درون قوه قضائیه و دستگاه‌های اطلاعاتی و نظارتی کشور و همچنین فعال‌کردن ظرفیت مقررات بین‌المللی برای استرداد این اموال نیز جزء وظایف دادستانی کل کشور خواهد بود.

همچنین در این دستورالعمل و جهت اجرای سریع و عادلانه قانون، پیش‌بینی شده است که شعبه یا شعب حقوقی ویژه‌ای در تهران به همین منظور تشکیل شود. در صورت اثبات نامشروع‌بودن اموال فرد خاطی، دادگاه‌ها موظف هستند حکم به استرداد تمامی اموال مذکور و عواید ناشی از آن حسب مورد به‌عنوان جریمه یا خسارت به بیت‌المال یا صاحب حق را صادر کنند. بر اساس ماده ۲۳ این دستورالعمل، معاون‌اول قوه قضائیه مسئول نظارت بر حسن اجرای تکالیف دستگاه‌های مقرر در قانون و این دستورالعمل و دادستان کل کشور مسئول نظارت قانونی بر عملکرد دادستان‌ها در این زمینه هستند.

از آنجایی که اجرای بسیاری از اصول قانون اساسی ازجمله اصل چهل‌ونهم با کمک قوانین عادی امکان‌پذیر می‌شود، نمایندگان مجلس در سال ۹۸، طرحی یک‌فوریتی را با نام اعاده اموال نامشروع به صحن مجلس بردند که قانون الحاق موادی به قانون نحوه اجرای اصل چهل‌ونهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حاصل آن بود. هدف از این طرح، بازپس‌گیری اموالی بود که برخی افراد و مقامات با سوءاستفاده از مقام و موقعیت یا رانت و اعمال نفوذ به ناحق کسب کرده بودند و روشی قانونی برای اعاده این اموال وجود نداشت. این قانون از قوانین قضائی به‌شمار می‌رفت؛ چراکه بسیاری از تکالیف آن، چه در مرحله اثبات نامشروع‌بودن اموال مورد بحث و چه اعاده آنها به مردم، متوجه دستگاه قضا می‌شد. به همین دلیل قوه قضائیه برای سرعت‌دادن به اجرای همه‌جانبه این قانون ضدفساد و همچنین تحقق دقیق و موبه‌موی آن، دستورالعملی تدوین کرد. در دستورالعمل قوه قضائیه، به نهادهای نظارتی تکلیف و از مردم خواسته شده تا اطلاعات درباره اموالی را که مظنون به عدم مشروعیت هستند، به دادستان کل کشور معرفی کنند. دادستان کل کشور پس از بررسی مقدماتی، اطلاعات جمع‌آوری‌شده را برای دادستان می‌فرستد و دادستان با استفاده از ظرفیت‌های قوه قضائیه، تحقیق درباره منشأ اموال مدنظر و چگونگی جمع‌آوری آنها از سوی مظنون را آغاز می‌کند.

« آگهی احضاریه »

نظر به اینکه پرونده افراد مشروحه ذیل به علت غیبت در هیات بدوی رسیدگی به تخلفات اداری کارکنان دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در دست بررسی است و تاکنون جهت روشن شدن وضعیت خدمتی خود مراجعه ننموده اند ، به نامبردگان ابلاغ می گردد، حداکثر ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ انتشار آگهی نسبت به ارسال دفاعیه خود به هیات بدوی رسیدگی به تخلفات اداری دانشگاه به آدرس تهران ولنجک جنب بیمارستان طالقانی اقدام نمایند . بدیهی است پس از انقضاء مهلت مقرر برابر ماده ۱۸ آئین نامه اجرایی قانون رسیدگی به تخلفات اداری عمل خواهد شد .

| ردیف | نام | نام خانوادگی | نام پدر |
|---|---|---|---|
| ۱ | خانم نازیلا | ابوالفتحی راد | حسینعلی |
| ۲ | فاطمه | حاجی حسنلو | علی |
| ۳ | حدیث | امینی زاده | ایازاله |
| ۴ | مریم | فرحناک | قربانعلی |
| ۵ | الهه | برخورداری | محمدحسن |

روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید بهشتی

م الف ۳۳۳۷

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۳۹۹۶۰۳۲۴۰۹۰۰۱۸۰۸ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی بوشهر تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای امیرحسین ساده فرزند علی اکبر به شماره شناسنامه ۷۹۶ صادره از قم به شماره ملی ۰۳۸۳۲۲۳۹۸ در شش‌دانگ یکباب خانه به مساحت ۹۹/۷۵ متر مربع پلاک ۱۹ فرعی از ۲۲۲۱ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۲۲۲۱/۱۴ اصلی واقع در بخش دو بوشهر خریداری از مالک رسمی گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشد می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ما اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
مجید امیری- رئیس اداره اسناد و املاک شهرستان بوشهر

برگ سبز و سند کمپانی **خودروپرایدجی‌تی‌ایکس‌آی** رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۸۸ به شماره پلاک ایران ۲۷_۶۲۸ س ۶۹ و شماره موتور ۲۹۹۰۹۸۶ و شماره شاسی S1412288281764 به نام **فهیمه تقی زاده نجف آباد** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.